

پژوهشی در نقوش مذهبی خدایان و الهه‌های یونانی بر مهرها و اثرمهرهای به‌دست‌آمده از قلمرو امپراطوری سلوکیان و اشکانیان

کمال‌الدین نیکنامی^{1*}، رضا قاسمی²، رضوان رضائی³

(تاریخ دریافت: 93/11/29، تاریخ پذیرش: 94/3/12)

چکیده

با فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی و ورود یونانیان به آسیا، تغییرات وسیعی در تمام ابعاد زندگی در سرزمین‌های مفتوحه اسکندر و جانشینان او به‌وجود آمد. این تغییرات رابه اشکال مختلف در تمام زمینه‌های اجتماعی سیاسی و به‌خصوص در زمینه‌های فرهنگ و هنر، معماری و حتی در اعتقادات نیز می‌توان مشاهده کرد. مهرها و اثرمهرهای برجای مانده از دوران سلوکی و اشکانی این دگرگونی‌ها را به روشنی نمایش داده‌اند. تصاویر اساطیری و مذهبی یونانی که بر این آثار حک شده، نقش‌مایه‌هایی با مضامین هلنی ازجمله تصاویر خدایان، ایزدان و الهه‌های یونانی را نشان می‌دهند. از مشهورترین این نقوش می‌توان به نقش آتنا، آفرودیت، زئوس، آپولو، تیکه (تیخه)، هرمس، اروس، نیکه (الهه پیروزی) و ایزد عدالت اشاره کرد. نمونه‌های یادشده از مراکزی چون سلوکیه کران دجله، تل کدش، اروک، نسا و صالح‌داوود

*kniknami@ut.ac.ir

1. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

2. کارشناس ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران

3. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

خوزستان به دست آمده‌اند. حضور عناصر یادشده روی مهرها و اثرمهرها یکسان نبوده و با توجه به میزان تنوع بافت جمعیتی و نفوذ فرهنگ یونانی متفاوت است. این مقاله تأثیر ایدئولوژی یونانی را در تغییرات اعتقادی سرزمین‌های مفتوحه با تکیه بر مطالعه مهرها و اثرمهرها را بررسی می‌کند. مهرها و اثرمهرها بخشی از مواد تاریخی محسوب می‌شوند که با توجه به وجود نقوش و تصاویر روی آن‌ها به درستی می‌توانند میزان و روند تغییرات یادشده را منعکس کنند.

کلید واژگان: سلوکیان و اشکانیان، مهر و اثرمهر، نقوش مذهبی یونانی، سلوکیه و هلنیسم.

1. مقدمه

با فتح امپراطوری هخامنشی در سال 332 ق.م به دست اسکندر مقدونی دوره جدیدی در آسیا آغاز شد. فاصله زمانی کشورگشایی اسکندر مقدونی تا سال 27 ق.م (سال فروپاشی دولت سلوکی) به دوره هلنیسم مشهور است (گاردنر، 127:1365). این دوره شامل حکومت سلوکیان و تقریباً نیمی از سلطنت اشکانیان می‌شود. اصطلاح هلنیسم برای نخستین بار توسط یوهان گوستاو درویزن طرح شد (ولسکی، 28:1388) و شامل هنر، فرهنگ و معماری دوره سلطنت اسکندر تا اواخر دوره سلوکی می‌شود. با آغاز این دوره و جایگزین شدن سربازان مقدونی و یونانی در آسیا زندگی مردم بین‌النهرین و ایران نیز سخت دگرگون شد (کالج، 28:1356). هلنیسم در منطقه خاور نزدیک تأثیری بسیار قوی دارد. کاربرد زبان یونانی، پول و تأثیر آن بر هنر، صنعت و بناهایی به سبک یونانی، مؤید این واقعیت است (کرتیس، 12:1389). صنعت مهرسازی از ویژگی‌های مهم هنری دوره هلنی در امپراطوری سلوکی و اشکانی است. تصاویر نقش بسته بر این مهرها حاکی از تأثیرات قوی هنر هلنیسم در ادوار سلوکی و اشکانی است. حضور خدایان، ایزدان و الهه‌های یونانی چون زئوس، آتنا، آفرودیت، تیکه (تیخه)، هرمس، نیکه، آپولو و ایزد عدالت مؤید این نکته هستند. با توجه بافت یونانی جمعیت نواحی غربی سرزمین‌های سلوکیان و اشکانیان، ازدیاد این نقش‌مایه‌ها بر مهرها و اثرمهرها و دیگر آثار هنری آنان چندان نیز عجیب به نظر نمی‌رسد. روی 56 مهر و اثرمهر دوران سلوکی و اشکانی نقوش خدایان، ایزدان و الهه‌های یونانی به چشم می‌خورد که از محوطه‌های کدش، سلوکیه کران

پژوهشی در نقوش مذهبی خدایان، ایزدان و ... کمال‌الدین نیکنمی و همکاران

دجله، اروک، نساو محوطه الیمایی صالح داوود خوزستان به‌دست آمده‌اند و به نظر می‌رسد بازتابی از مذهب، فرهنگ و هنر ساکنان این نواحی باشد. با توجه به قالب زمانی ادوار سلوکی و اشکانی و گستره جغرافیایی، از دریای مدیترانه تا آسیای میانه را شامل می‌شود، محوطه‌ها و نمونه‌های مطالعه‌شده در این مقاله جامعه آماری کوچکی را تشکیل می‌دهد که شاید کمی عجیب به نظر برسد، اما واقعیت امر این است که از میان بیش از هزار مهر و اثرمهر به‌دست‌آمده در مناطق گوناگون سرزمین‌های سلوکی و اشکانی فقط بر 56 نمونه از این آثار نقوش مذهبی یونانی به چشم می‌خورد و این تأثیر نیز در همه مناطق یکسان نیست. گسترش فرهنگ و هنر یونانی به موازات تأثیر بر هنر مهرسازی دوران سلوکی و اشکانی، در زمینه‌های دیگر از جمله زبان و خط، سکه و معماری نیز وجود داشت. در این پژوهش تحلیلی در پی اثبات تأثیر فرهنگ و هنر یونانی بر نقش‌مایه‌های مهرها و اثرمهرهای ادوار سلوکی و اشکانی هستیم، همچنین باید به اثبات ارتباطات تجاری و فرهنگی میان شهرهای سلوکی و اشکانی و حتی با مراکز رومی از طریق شواهد مهرشناسی اشاره کرد. در این پژوهش با استناد به نقوش مهرها و اثرمهرها می‌توان به شباهت نقش‌مایه‌ها با تصاویر سکه‌های سلوکیان و حتی اشکانیان نیز پی برد. البته گمان براین است که با توجه به دولتی‌بودن اثرمهرها و کشف آن‌ها از بایگانی‌ها، نقوش آن‌ها نیز اقتباسی از تصاویر نقش‌شده بر پشت سکه‌های ادوار یادشده باشد. در بخش‌هایی از این مقاله به تبیین و تحلیل فراوانی الهه‌ها و فراوانی آن‌ها در برخی از شهرها پرداخته شده است. در انتها نیز باید به این پرسش پاسخ داد که بیشتر مهرها و اثرمهرهای ادوار سلوکی و اشکانی از کدام مناطق به‌دست آمده و کدام یک از نقش‌مایه‌های خدایان و الهه‌های یونانی را بر خود بازنمایی می‌کنند. روش تحقیق این پژوهش نیز استناد به داده‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی، سکه‌شناسی و مطالعه منابع کتابخانه‌ای است.

2. معرفی محوطه‌ها، مهرها و اثرمهرها

مهرها، گل‌مهرها و اثرمهرهای به جای مانده از یافته‌های مهم در کاوش‌های باستان‌شناسی است که نقش مهمی در شناخت تحولات اجتماعی، مذهبی و هنری جوامع داشته و اطلاعات بسیار

مفیدی را در اختیار ما قرار می‌دهند. در ادوار سلوکی و اشکانی از نقش‌مایه الهه‌ها و خدایان یونانی به وفور بر مهرها استفاده شده است. البته از مجموعه‌ای که در این مقاله بررسی خواهد شد فقط چهار نمونه مربوط به مهرها و 52 نمونه دیگر متعلق به اثرمهرهای برجای مانده روی گل رس است. نمونه‌های یادشده بیشتر از نواحی غربی سرزمین‌های تحت نفوذ سلوکیان و اشکانیان به‌دست آمده و فقط محوطه نسا در شرق امپراطوری اشکانی دارای اثرمهری با نقش‌مایه الهه نیکه است.

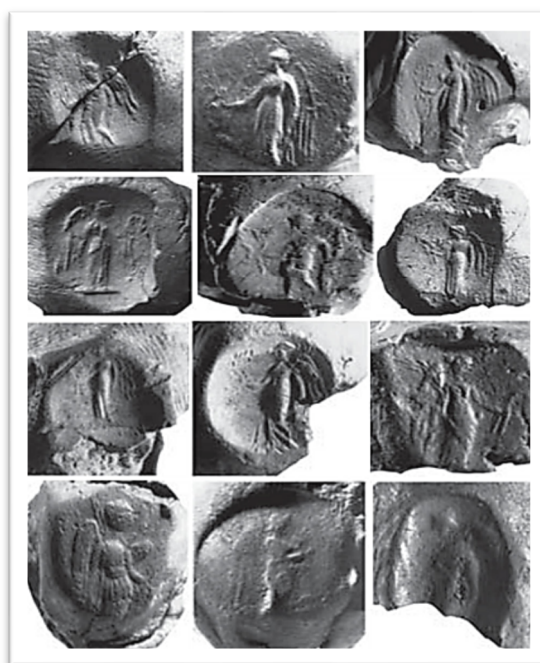
3. سلوکیه کران دجله

نخستین محوطه‌دارای مهر و اثرمهرهایی با مضامین مذهبی یونانی شهر سلوکیه بر کران رود دجله در عراق است که دارای بیشترین اثرمهر با تصاویر خدایان و الهه‌های یونانی است. این شهر از زمان تأسیس توسط سلوکوس اول، دارای امتیازات خاصی مانند استقلال داخلی، توانایی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بود (اسماعیلی و زرین‌کوب، 1390: 27). طی کاوش‌های هیئت امریکایی و سپس ایتالیایی‌ها اثرمهرهای زیادی از بافت معماری این شهر به‌دست آمده که بیشتر آن‌ها دارای نقوش الهه‌های یونانی است (Herbert 2005: 68). این اثرمهرها برای ثبت و ممهورکردن اسناد و نامه‌های مالیاتی به‌کار رفته و متعلق به اواخر سده 4 ق.م تا میانه سده 2 ق.م است (اینورنیتسی، 1388: 522). بر اثرمهرهای سلوکیه تصاویر آپولو، آرتمیس، زئوس، هرمس، اروس، نیکه، تیکه، آتنا، آفرودیتو دیونیسوس نقش شده است، اما تعداد آپولو، تیکه و آتنا از دیگر نقش‌مایه‌ها بیشتر بوده و نزدیک به 3 هزار اثرمهر از 25000 هزار نمونه آرشیوهای سلوکیه را به خود اختصاص می‌دهد (Herbert 2005: 70).

این آمار را شارون هربرت و آنتونیو اینورنیتسی کاوشگران کدش و سلوکیه ارائه کرده‌اند و تعداد اندکی از این اثرمهرها در دسترس ما قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی 17 درصد از تصاویر اثرمهرهای شهر سلوکیه را نقش‌مایه‌های گوناگون الهه آتنا تشکیل می‌دهند (Ibid). آتنا دختر زئوس و متیس، رب‌النوع جنگ و مجهز به سلاح سپر و نیزه بود، همچنین الهه صلح، فعالیت‌های صنعتی و علمی نیز به شمار می‌رفت. سپر، نیزه و کلاه‌خود از نشانه‌های آن است و ظاهری آرام، زیبا و با وقار دارد (گریمال، 1378: 125).

پژوهشی در نقوش مذهبی خدایان، ایزدان و ... کمال‌الدین نیکنای و همکاران

از دیگر الهه‌های نقش‌شده بر اثرمهرهای به‌دست‌آمده از شهر سلوکیه می‌توان به نیکه (الهه پیروزی) اشاره کرد (شکل 1). نیکه تجسم پیروزی است و او را معمولاً با بال و در حالی که با سرعت زیادی در حال پرواز است، تصویر می‌کردند (همان، 622). تصاویر الهه‌های نیکه و آتنا بر سکه‌های ادوار سلوکی و اشکانی نیز دیده می‌شود که شباهت زیادی به اثرمهرهای یاد شده دارد. برای نمونه می‌توان سکه‌های آندراگوراس ساتراپ پارسی ایالت پارت را نام برد که نیکه را سوار بر ارابه نشان می‌دهد (سرخوش و استوارت، 27:1392).

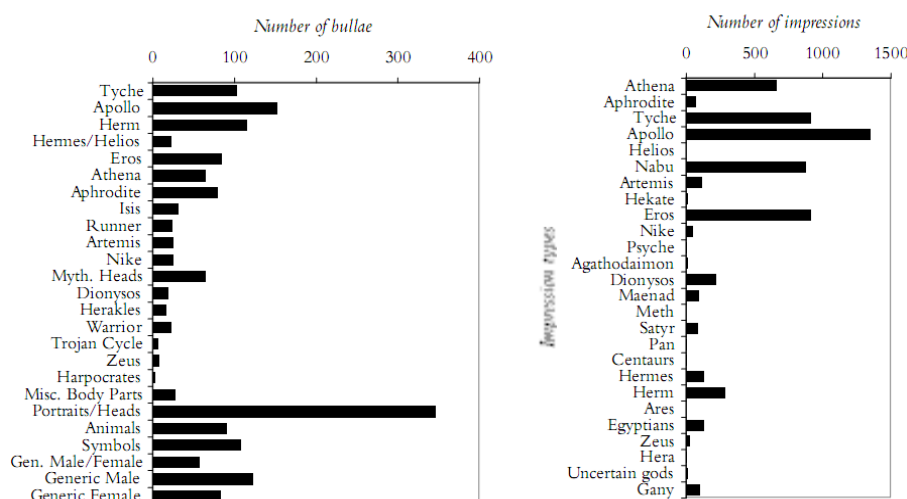


شکل 1 اثرمهرهای شهر سلوکیه با نقش مایه الهه نیکه (Messina, 2006)

4. کدش

دومین محوطه دارای اثرمهرهای با نقوش الهه‌های یونانی متعلق به دوران سلوکی و اشکانی، شهر کدش در منطقه سرزمین‌های فلسطین اشغالی (اسرائیل) است. در طول کاوش‌های سال 2000-2004 میلادی به سرپرستی شارون هربرت نزدیک به 2000 هزار اثرمهر گلی از بایگانی

اداری و خصوصی آن به‌دست آمد (Herbert 2005:74). بیشتر اثرمهرها متعلق به سده 2 ق.م بوده و نمایان‌گر نقش‌مایه‌های الهه‌های یونانی چون آتنا، آفرودیت و تیکه و دیگر ایزدان و الهه‌هاست. اثرمهرهای یادشده قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه کشف‌شده از سلوکیه است. اسناد و اثرمهرهای بایگانی‌شده حاکی از مناسبات گسترده تجاری و فرهنگی این دو شهر در دوران سلوکی است (Ibid:70). هربرت در مقاله‌ای در سال 2005 به مقایسه آماری نقش‌مایه‌های هلنی به‌ویژه الهه‌ها و خدایان یونانی بر اثرمهرهای کدش و سلوکیه پرداخته و همگونی سبکی و مشابهت تصاویر الهه‌ها را اثبات کرده است (شکل 2).

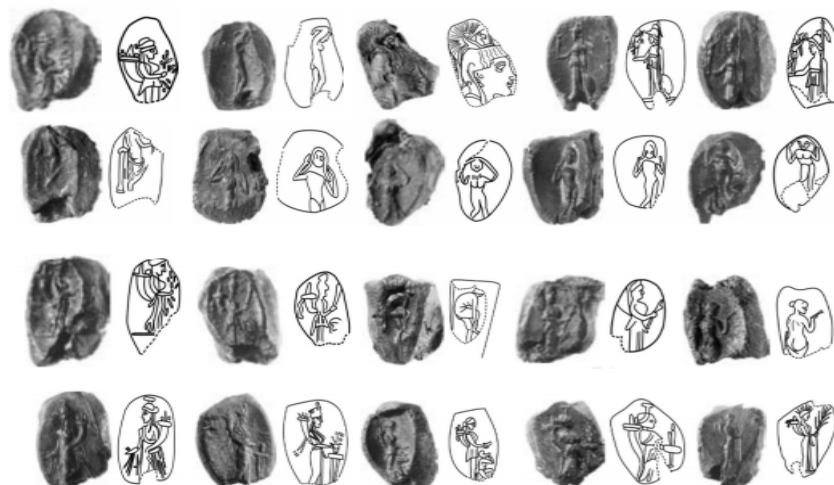


شکل 2 نمودار مقایسه نقوش اثرمهرهای دو محوطه سلوکیه دجله (نمودار سمت راست) و کدش (نمودار سمت چپ) (Herbert, 2005)

آتنا، آفرودیت و تیچه از مشهورترین الهه‌های کدش هستند که قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست‌آمده از سلوکیه است. با این حال بیشترین تعداد اثرمهرهای کدش متعلق به نقش‌مایه آپولو است که نزدیک به 1500 اثرمهر را دربرمی‌گیرد (Ibid:70). آپولو پسر زئوس و لتو است. او خدای پیش‌گویی، موسیقی و شبانی بوده و کمان سلاح مخصوصش است (گریمال، 1378: 85-90). بیش از 1000 اثرمهر نیز دارای تصاویر گوناگون از الهه تیکه است. تیکه الهه شانس

پژوهشی در نقوش مذهبی خدایان، ایزدان و ... کمال‌الدین نیکنای و همکاران

و اقبال، فراوانی، نعمت و خوشبختی بوده و به دلیل حلقه‌های موجود در دستان شهرت یافته است (Herbert 2005:74). همچنین تیکه بخت و طالع یا تقدیر خدایی است که الهه تجسم آن است و از دوره هلنی بر اهمیت آن افزوده شد. در این دوره هر شهر به مانند کدش و سلوکیه تیکه‌ای مخصوص به خود داشت (گریمال، 930:1378). در بایگانی شهر کدش، 104 مورد از اثرمهرها تیکه را در حلقه به دست نشان داده‌اند (Herbert 2005:76). از ویژگی‌های مهم تیکه تاج و شاخه خرمایی است که نشانه وفور نعمت و بخشندگی است، همچنین تیکه به عنوان روح نگهبان نیز شهرت داشته و در دوره سلوکی در 50 شهر دیگر حضورش تأیید شده است. تیکه مظهر الهه شخصی شاهان سلوکی نیز بود. برای نمونه روی سکه‌های دمیتریوس اول و آنتیوخوس هشتم تصویر تیکه به چشم می‌خورد (Ibid:77). دیگر الهه شاخص بر اثرمهرهای کدش، آفرودیت الهه عشق و زیبایی است که نزدیک به 800 نمونه از آن یافت شده است (Ibid:70). آفرودیت در هنر هلنی متمایز از خدایان دیگر تصویر می‌شود، و برهنگی و عریان بودن آفرودیت دلیل آن است. بیشتر تصاویر اثرمهرهای کدش این الهه را در حال استحمام و به صورت برهنه و ایستاده به پشت نشان می‌دهند (شکل 3). نقوش یادشده قابل مقایسه با مجسمه‌های الهه آفرودیت در دوره سلوکی هستند (Bollati and Messina 2004:83).



شکل 3 اثرمهرهای مکشوفه از بایگانی هلنی شهر کدش (Herbert, 2005)

البته با وجود وفور الهه‌های یونانی بر اثر مهرهای کدش، نقوش سر و صورت افراد بیشترین نمونه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند (Herbert, 2005:70). از نمونه‌های مشابه الهه‌های نیکه، آتنا و تیکه در کدش و سلوکیه می‌توان به مهرهای به‌دست‌آمده از دورا اروپوس اشاره کرد که به لحاظ سبک و نقش‌مایه شباهت زیادی با نمونه‌های یادشده دارد (Guiraud 1992).

5. اروک

از محوطه اروک بین‌النهرین نیز پنج اثرمهر با نقوش الهه‌ها و خدایان یونانی از جمله زئوس، آپولو، تیکه، نیکه و ایزد عدالت به‌دست‌آمده است (شکل 4). این اثرمهرها روی الواح بایگانی دارای خط میخی با زبان یونانی ثبت شده و متعلق به دوره سلوکی هستند (Wallenfels, 1990). روی یکی از اثرمهرها تصویر نیم‌رخ زئوس خدای یونانی با نیزه سه شاخه‌ای در دست دیده می‌شود (Ibid). روی اثرمهر دیگری از اروک نیز نقش الهه تیکه به‌صورت تمام‌رخ به همراه شاخ فراوانی در دست مشاهده می‌شود که شباهت بسیاری به تصاویر تیچه در کدش و دورا اروپوس دارد. بر اثرمهر دیگر آپولو خدای خورشید، موسیقی و هنر نیز در حالی که شاخه‌ای را حمل می‌کند، مشاهده می‌شود. از اروک اثرمهری با نقش الهه نیکه نیز به‌دست‌آمده که کاملاً شبیه به نقوش این الهه بر سکه‌های دوران سلوکی و اشکانی است (Messina 2006:21). از بایگانی محوطه رومی زوگما در آسیای صغیر نیز 2000 اثرمهر با نقوش متفاوت از جمله الهه‌ها و خدایان یونانی چون زئوس، آفرودیت، تیکه و آرتمیس به‌دست‌آمده که نقوش آن‌ها بسیار شبیه به نمونه‌های کدش و سلوکیه است (Onal, 2007).

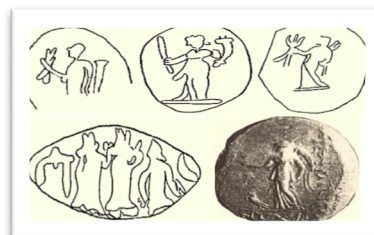
در دوره اشکانی نیز علاوه بر سکه‌ها، مهرهای این دوره نیز دارای نقوش ایزدان و الهه‌های یونانی است. تاکنون بر مهرهای به‌دست‌آمده از نسا و محوطه صالح‌داود خوزستان از دوره اشکانی، تصاویر الهه‌های یونانی است. در محوطه نسای ترکمنستان نیز مهری استامپی با نقش‌مایه الهه نیکه وجود دارد که او را به‌صورت ایستاده و در حال راه رفتن نشان داده است. نیکه دست راست خود را به سمت جلو دراز کرده و روی شانه چپ چیزی شبیه به میله دیده می‌شود. نیکه در این تصویر دارای بال، دامن بلند و چین دار است (شکل 5). نقش این الهه

پژوهشی در نقوش مذهبی خدایان، ایزدان و ... کمال‌الدین نیکنای و همکاران

برپشت برخی از سکه‌های دوره اشکانی نیز دیده می‌شود، اما بیشترین شباهت به این مهر را می‌توان در اثرمهرهای سلوکی شهر سلوکیه کران دجله مشاهده کرد (Messina 2006:18).



شکل 5 مهر مکشوفه از نسا قابل مقایسه با سکه‌ای با نقش الهه نیکه؛ نصیبین (Messina, 2006:22)



شکل 4 اثرمهرهای هلنی اروک با تصاویر تیکه، زئوس، نیکه و ایزد عدالت (Wallenfels, 1990)

6. صالح‌داوود

بیشترین تأثیر فرهنگ و هنر یونانی بر مهرهای دوره اشکانی در محوطه صالح‌داوود دیده می‌شود. روی مهرها نقش مایه الهه آتنا و هرمس حک شده است. روی یکی از دو مهر از جنس عقیق نقش هرمس، فرزند خدای خدایان یونان، خدای تجارت، شانس و راهزنی به صورت مردی برهنه و در حال حرکت وجود دارد. در یک دست او چوب‌دستی و در دست دیگرش کیسه‌ای دیده می‌شود (رهبر، 1391:305). مهر دیگر دارای نقش سرو گردن زنی است که کلاه مخصوص یونانی به سر داشته و به صورت نیم‌رخ به سمت چپ خود می‌نگرد. با توجه به تصاویر شناخته‌شده از این شخصیت، او کسی جز آتنا الهه خرد، عقل و جنگ یونانیان نیست. ریزه‌کاری‌ها و تناسبات به کار رفته در این نقش که فقط چند میلی‌متر است، تردیدی باقی نمی‌گذارد که اثر یادشده دستاورد هنرمندی یونانی است (همان، 306). مهرهای یادشده از کاوش‌های محوطه الیمایی صالح‌داوود و توسط مهدی رهبر به دست آمده و با توجه به تأثیر شدید هنر یونانی بر تمدن نخستین الیمایی‌ها می‌توان اظهار داشت این مهرها دارای مضامین یونانی هستند (همان).



شکل 6 نقش مایه هرمس و آتنا بر مهرهای صالح داوود خوزستان (رهبر، 1391:305)

بی‌تردید با بررسی مهرها و اثرمهرهای مکشوفه از مناطق مختلف امپراطوری‌های یادشده می‌توان به الگوهای فرهنگی و اقتصادی مشخصی نایل شد. با وجود وسعت امپراطوری سلوکی و چند ملیتی بودن بافت جمعیتی ساکنان این حکومت و با توجه به اثرمهرهای به‌دست‌آمده می‌توان اظهار داشت علی‌رغم تمامی ویژگی‌ها و اشتراکات یادشده، نقوش متفاوت و ناهمگونی از الهه‌ها و خدایان یونانی بر این آثار به چشم می‌خورند. به‌عنوان نمونه با درنظر گرفتن شباهت اثرمهرها و نقوش آن‌ها در شهرهای سلوکیه، اروک و کدش و همچنین ارتباط تجاری و اداری گسترده میان مراکز یادشده، از نظر نقش‌مایه تفاوت‌های اساسی وجود دارد. بیشتر اثرمهرهای اروک دارای نقوش حیوانی و اساطیری بوده و در میان آن‌ها کمتر تصاویر الهه‌ها و ایزدان یونانی دیده می‌شود. این در حالی است که در نمونه‌های به‌دست‌آمده از سلوکیه بیشتر نقش‌مایه‌ها متعلق به الهه‌هاست. در کدش نیز اگر چه حضور الهه‌ها و خدایان یونانی بر اثرمهرها پررنگ است، اما در مقایسه با پرتره سر و صورت افراد اندک به نظر می‌رسند (Herbert 2005:70).

نکته قابل تأمل در مطالعه و بررسی اثرمهرها این است که با وجود بافت جمعیتی، زبان و خط مشترک در متون بایگانی‌ها و مجموعه اداری و سیاسی حاکم بر ساختار یادشده، درصد فراوانی نقوش الهه‌ها و ایزدان یونانی در این محوطه‌ها یکسان نیست. برای روشن‌تر شدن موضوع می‌توان از محوطه شوش (سلوکیه اولائوس) در دوره سلوکی و اشکانی یاد کرد که از حدود یک‌صد اثرمهر به‌دست‌آمده حتی یک نمونه از تصاویر هم خدایان و الهه‌های یونانی را نشان نمی‌دهند. این امر با وجود فرهنگ یونانی حاکم بر شوش در دوران سلوکی و حتی

پژوهشی در نقوش مذهبی خدایان، ایزدان و ... کمال‌الدین نیکنامی و همکاران

اشکانی بحث برانگیز است. گمان می‌رود پاسخ این پرسش در اعتقادات مذهبی و سفارش صاحبان مهرها نهفته شده باشد. به طور کلی می‌توان گفت اگر چه نفوذ عناصر هلنی مانند الهه‌ها نیز به چشم می‌خورد، اما این امر یکسان نیست. در این بخش ضروری به نظر می‌رسد تا اشاره‌ای نیز به تأثیر محلی و منطقه‌ای بر این اثرمهرها داشته باشیم. برای نمونه شهر اروک با وجود دارا بودن فرهنگ هلنی، نزدیکی به پایتخت سلوکیان (سلوکیه) و قرارگیری مراکز اداری و بایگانی‌های دولتی در این منطقه، نقش‌مایه‌های هلنی به‌ویژه تصاویر خدایان و الهه‌های یونانی به نسبت نقوش متأثر از هنر هخامنشی و بابلی در اقلیت قرار دارد (Wallenfels, 1990). از سوی دیگر فراوانی و حضور الهه‌های خاص در برخی از نواحی بر اثرمهرها حاکی از علاقه و سفارش صاحبان مهرها در شهرهای یادشده است. بر این اساس آتنا، آپولو و تیکه بیشترین حضور را بر اثرمهرهای دوران سلوکی دارند. آتنا مشهورترین الهه در شهر سلوکیه بود، اما در دوران اشکانی تیکه الهه حامی این شهر شده است. آن به شکل بانویی که تاج کنگره‌دار بر سر دارد روی سکه‌های اشکانی دیده می‌شود (سرفراز و آورزمانی، 1385: 37). با توجه به شباهت نقوش اثرمهرها نیز می‌توان به ارتباط تجاری در نواحی غربی حکومت‌های سلوکی و اشکانی پی برد. در کنار اثرمهرها باید از اسناد بایگانی‌شده در این مراکز یاد کرد که به ارتباط گسترده میان شهرهای این نواحی اشاره کرده‌اند.

7. نتیجه‌گیری

در ابتدای مقاله فرضیه‌ها و پرسش‌هایی طرح شد که در متن به آن‌ها اشاره شد و در این بخش مجال پرداختن به آن‌ها رسیده است. بر این اساس باید یادآور شد که از مجموع 58 مهر و اثرمهر بررسی‌شده در این مقاله نقش‌مایه‌های گوناگون الهه‌ها و خدایانی چون زئوس، آتنا، آفرودیت، تیکه (تیخه)، هرمس، نیکه، آپولو و ایزد عدالت مشاهده شد که حاکی از تأثیر زیاد هنر هلنیسم بر صنعت مهرسازی دوران سلوکی و اشکانی است. در پی اثبات تأثیر فرهنگ و هنر یونانی بر نقش‌مایه‌های مهرها و اثرمهرهای ادوار سلوکی و اشکانی باید به منطقه‌ای بودن این تأثیر اشاره کرد. برای نمونه فراوانی نقش‌مایه‌های یونانی در محوطه‌های غربی بیشتر بوده و نکته مهم‌تر این‌که در همین مناطق نیز نفوذ نقوش یونانی بر مهرها و اثرمهرها یکسان نیست.

در این راستا محوطه‌های کدش و سلوکیه نسبت به مراکزی چون نسا و صالح‌داوود نفوذ بیشتری را متحمل شده‌اند. مهرها و اثرمهرهای یادشده از محوطه‌های سلوکیه، اروک، کدش، نسا و صالح‌داوود خوزستان کشف شده و به غیر از نسا، همگی از مناطق غربی سرزمین‌های سلوکیان و اشکانیان به‌دست‌آمده‌اند. این امر نیز حاکی از رواج گسترده فرهنگ هلنی در مناطقی مانند بین‌النهرین و سواحل مدیترانه (کدش) است و ازدیاد نقوش با مضامین هلنی چندان عجیب به نظر نمی‌رسد، ولی در این میان تفاوت قابل‌ذکری میان محوطه‌های یونانی‌نشین و شهرهای دارای بافت جمعیتی ایرانی و سامی دیده نمی‌شود، زیرا اثرمهرهای به‌دست‌آمده از بایگانی دولتی تحت نفوذ دولت سلوکی و اشکانی بود و به نظر نمی‌رسد که ترکیب فرهنگی و جمعیتی تأثیر شایانی در این رابطه داشته باشد. این امر را به روشنی می‌توان در محوطه اروک و کدش مشاهده کرد که با وجود بافت جمعیتی ایرانی - سامی و فینیقی‌نشین اثرمهرهای به‌دست‌آمده از بایگانی‌های دولتی و خصوصی آنها دارای نقش‌مایه‌های مذهبی - یونانی هستند. الواح و اسناد بایگانی‌شده در محوطه‌های اروک، سلوکیه، کران دجله و کدش در منطقه جلیلیه فلسطین نیز به ارتباط سیاسی و تجاری میان این مناطق اشاره دارند. از نظر محتوای نقوش نیز شباهت بسیار زیادی میان اثرمهرها به چشم می‌خورد، به‌ویژه نمونه‌های به‌دست‌آمده از سلوکیه و کدش. در برخی از موارد نیز اثرمهرهای سلوکی کدش و سلوکیه قابل‌مقایسه و شبیه به نمونه‌های محوطه رومی زوگما در آسیای صغیر است. با توجه به ارتباط تجاری میان شرق و غرب و نقش واسطه‌ای شهر زوگما در این ارتباط، تشابه زیاد نقوش اثرمهرها حاکی از تجارت میان مناطق غربی امپراطوری سلوکی است، زیرا در دوره اشکانی نیز شهر زوگما به‌عنوان ورودی گذرگاه بازرگانی جاده ابریشم ایفای نقش می‌کند. از سوی دیگر می‌توان نقوش الهه‌ها و خدایان حک‌شده بر مهرها و اثرمهرها را با تصویر مشابه آنها روی سکه‌های دوران سلوکی و اشکانی مقایسه کرد. از شاخص‌ترین این نمونه‌های می‌توان به نقش‌مایه نیکه اشاره کرد که بر سکه‌های سلوکی، اشکانی و رومی دیده می‌شود و شباهت بسیاری با اثرمهرهای اروک، سلوکیه و زوگما دارد. بیشتر اثرمهرها با مضامین الهه‌ها و خدایان یونانی از بایگانی‌های دولتی به‌دست‌آمده‌اند. گمان بر این است که در دوره سلوکی اثرمهرهای دولتی مورد استفاده در ثبت و ضبط معاملات و دریافت مالیات‌ها دارای نقوش مذهبی به‌ویژه الهه‌های یونانی و برگرفته از نقوش سکه‌های این دوران بوده‌اند. اثرمهرهای یادشده از نظر

پژوهشی در نقوش مذهبی خدایان، ایزدان و ... کمال‌الدین نیکنای و همکاران

اندازه و جنس نیز کاملاً با یکدیگر مطابقت دارند. تأثیر ایدئولوژی یونانی را در تغییرات اعتقادی سرزمین‌های مفتوحه با مطالعه مهرها و آثار مهره‌انیز می‌توان مشاهده کرد، زیرا با پایان دوره اشکانیان نیز طی سالیان متمادی از نقش‌مایه‌های مذهبی یونانی استفاده می‌کردند. مهرهای مکشوفه از نسا و صالح‌داوود گواهی بر این مدعاست. با تحلیل نقوش مهرها و اثرمهرهای دوران سلوکی و اشکانی و تصاویر نقش‌شده بر آنها تا حدی می‌توان به میزان تأثیر و نفوذ فرهنگ هلنی بر جامعه و هنر ساکنان قلمرو آنان پی برد. امید است با کشف، مطالعه و بررسی داده‌های بیشتر در این زمینه به‌ویژه نواحی شرقی و جنوبی ایران، اطلاعات بیشتری در زمینه مهرهای دوران سلوکی و اشکانی و تأثیر هنر و نقش‌مایه‌های یونانی بر این آثار در دسترس محققان قرار گیرد.

8. منابع

- اینورنیتسی، آنتونیو (1388). «نقش‌مایه‌های بابلی بر مهرهای کشف‌شده در سلوکیه دجله»، **تاریخ هخامنشیان**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، جلد هشتم، تهران، انتشارات طوس.
- اسماعیلی، حسن و زرین‌کوب، روزبه (1390). «شورش سلوکیه و پیامدهای آن در زمان اردوان دوم اشکانی»، **تاریخ ایران**، شماره 68/5، صص 27-45.
- سرخوش کرتیس، وستا و سارا استوارت (1392). **شاهنشاهی اشکانیان**، ترجمه مانی صالحی‌علامه، تهران، انتشارات هزاره‌های دنیای باستان.
- سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (1385). **سکه‌های ایران از آغاز تا دوره زندیه**، تهران، انتشارات سمت.
- رهبر، مهدی (1391). «آرامگاه زیرزمینی الیمایی در صالح‌داوود»، **نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش**، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران، ایران نگار، صص 289-315.
- کالج، مالکوم (1356). **پارتیان**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات سحر.
- کرتیس، جان (1389). **بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی**، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره 8، شماره 1، بهار و تابستان 1395

- گاردنر، هلن (1386). هنر در گذر زمان. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران، انتشارات آگاه و نگاه.
- گریمال، پیر (1378). فرهنگ اساطیر روم و یونان، ترجمه احمد بهمنش، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ولسکی، یوزف (1388). شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس.
- Bollati, A., & Messina, V., (2004). Seleucia al Tigri. *Le Impronte di Sigillodagliarchivi*, Vol. 2, pp. 40-52.
- Guiraud, H. (1992). *Intaglios from Dura-Europos*, Yale University, Art Gallery Bulletin, Vol. 3, pp. 48-85.
- Herbert, S.C. (2005). The Hellenistic Archives from Tel Kedesh (Israel) and Seleucia-on-the Tigris (Iraq). *Bulletin of the University of Michigan Museums of Art and Archaeology*. Vol.15, pp. 65-86.
- Messina, V. (2006). Nike on the Clay Sealings from Seleucia on the Tigris, Pisa. *Roma*. pp. 10-27.
- Onal, M. (2007). Deities and Cultures Meet on the Seal Impressions in Zeugma, *Roma*, Vol. Speciale. pp. 25-50.
- Wallenfels, R., (1990). Sealed Cuneiform Tablets from Hellenistic Uruk: an Iconographic and Prosopographic Analysis of the Private Business Documents, Columbia University.